

دکتر مارک جنینگز، مرقس، درس ۲۰، مرقس ۱۲:۳۸-۱۳:۳۶، بیوه زن فقیر، گفتمان آخرالزمانی

مارک جنینگز و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر مارک جنینگز هستم در حال تدریس در مورد انجیل مرقس. این جلسه بیستم، مرقس ۱۲:۳۸-۱۳:۳۶، بیوه زن فقیر، گفتمان آخرالزمانی است.

سلام، خوش آمدید.

امروز در حالی که به کار بر روی انجیل مرقس ادامه می‌دهیم، تعاملاتمان با عیسی، داستان‌های بحث‌برانگیز، تبادل نظر و مناظراتی که او با رهبران مذهبی در اورشلیم داشته است را به پایان خواهیم رساند. هفت مورد از این مناظرات وجود داشته است. امروز قسمت آخر را خواهیم داشت و سپس به یکی از آموزه‌های شناخته‌شده‌تر اما پیچیده‌تر او در انجیل مرقس ۱۳ و گفتمان زیتون خواهیم پرداخت.

بنابراین، صرفاً جهت یادآوری، ما در معبد مشغول تعلیم بوده‌ایم. او در مورد مسائل مربوط به اقتدار و درک خود از کتاب مقدس مورد پرسش قرار گرفته است. او توسط فریسیان، هیرودیان و صدوقیان مورد آزمایش قرار گرفته است.

ما در واقع از یک کاتب سوالی در مورد بزرگترین فرمان پرسیدیم که بحث بسیار دوستانه‌ای بود. ما در مورد آن صحبت کردیم. و سپس دفعه قبل با طرح این سوال توسط عیسی، از کاتبان، بحث را به پایان رساندیم. در اصل تقریباً کاتبان را به چالش کشیدیم تا به این سوال پاسخ دهند که چگونه داوود می‌تواند در مورد فرزندانش بگوید و او را خداوند بنامد.

پاسخ به این سوال برای کاتبان تقریباً یک چالش است، که البته ما، به عنوان خواننده مرقس، می‌دانیم که چگونه این مسئله حل می‌شود، اینکه پسر داوود می‌تواند توسط داوود خداوند نامیده شود زیرا پسر داوود نیز پسر خداست. اکنون می‌خواهم به آیات ۳۸ تا ۴۴، آخرین بخش از آموزه‌های عمومی عیسی، نگاهی بیندازم. در اینجا، تمرکز اصلی بر موضع مذهبی رهبران و کاتبان است، جدال عیسی علیه کاتبان در تضاد با ایمان فروتنانه یک بیوه زن.

بنابراین، بیایید به آیات ۳۸ تا ۴۴ نگاهی بیندازیم و فصل ۱۲ را به پایان برسانیم. و در تعلیم خود گفت: «از کاتبانی که دوست دارند با لباس‌های بلند راه بروند و در بازارها مورد احترام قرار گیرند و در کنیسه‌ها و ضیافت‌ها بهترین جای‌ها را داشته باشند، برحذر باشید، کسانی که خانه‌های بیوه‌زنان را می‌بلعند و برای خودنمایی نماز را طولانی می‌کنند. آنها بیشترین محکومیت را خواهند داشت.»

و او روبروی خزانه نشست و تماشا کرد که مردم پول در صندوق می‌انداختند. بسیاری از ثروتمندان مبالغ هنگفتی انداختند. و یک بیوه زن فقیر آمد و دو سکه مسی کوچک، که معادل یک پنی می‌شود، در صندوق انداخت.

و شاگردانش را نزد خود خواند و به آنها گفت: «به راستی به شما می‌گویم، این بیوه‌زن فقیر از همه کسانی که در صندوق صدقات شرکت می‌کنند، بیشتر داده است. زیرا همه آنها از فراوانی خود کمک کرده‌اند، اما او با وجود تنگدستی‌اش، هر آنچه داشت و هر آنچه برای امرار معاش داشت، داده است.» می‌دانید که این با «این هشدار آغاز می‌شود»: از کاتبان برحذر باشید

این شبیه هشدار او در مورد «از خمیرمایه فریسیان و هیرویدیان برحذر باشید» است. اکنون عیسی شاگردان را از غرور کاتبان برحذر می‌دارد. و توجه کنید که غرور آنها در تمایلشان به تمام مظاهری که با جایگاه اجتماعی همراه است، مشهود است.

آنها لباس‌های فاخر می‌پوشند. می‌خواهند شکوه و جلال خود را نشان دهند. می‌خواهند مورد تشویق و تحسین قرار گیرند.

آنها می‌خواهند مورد احترام قرار بگیرند، در مکان‌های مهم بنشینند و در فرهنگی مانند این که احترام و شرمساری رواج دارد، به خاطر داشته باشند که نشستن در هر جایی، احترام را منتقل می‌کند. من حتی به آموزه‌های عیسی در حومه جلیل فکر می‌کنم، زمانی که او در این خانه‌ها بود، اگر به یاد داشته باشید جمعیت زیادی آنجا بودند و مردم نمی‌توانستند وارد شوند، با این حال به نحوی کاتبان هنوز نشسته بودند. و در خانه جایی برای شنیدن سخنان عیسی داشتند. و بنابراین، این با این احترام همخوانی دارد.

توجه کنید که او درباره اعمال آنها چه می‌گوید. آنها این سلام‌ها را دوست دارند. آنها این بهترین جایگاه‌ها را در جایگاه‌های تشریفاتی دارند و خانه‌های بیوه‌زنان را می‌بلعند و برای تظاهر، نمازهای طولانی می‌خوانند.

بنابراین بدیهی است که شما با این تنش بین آنها مواجه هستید که می‌خواهند همه این مظاهر افتخار اجتماعی را داشته باشند اما بسیار بی‌رحم هستند. این تصویر از بلعیدن خانه‌های بیوه‌ها، تصویری کاملاً بی‌رحمانه است، به خصوص وقتی که در نظر داشته باشید که اینها کاتبان بودند و قانون همه این حمایت‌ها را از بیوه‌ها داشته است. اینکه این کاتبان بودند، اگر کسی بود، باید کاتبان می‌بودند که می‌فهمیدند قانون چه می‌گوید، باید کسانی می‌بودند که از بیوه‌ها محافظت می‌کردند، نه اینکه خانه‌های بیوه‌ها را می‌بلعند.

به عبارت دیگر، سودی نمی‌برند. فکر می‌کنم تصویر اینجا این است که آنها از گرفتاری بیوه‌ها سود می‌برند، اینکه آنها افراد ناتوان و محروم را طعمه قرار می‌دهند. و سپس به نحوی این اقدامات را توجیه می‌کنند یا این دعا‌های طولانی را انجام می‌دهند تا نشان دهند که واقعاً کسانی هستند که بیشترین همراهی را با آنچه خدا انجام می‌دهد، دارند.

و عیسی محکومیت بیشتری را بر آنها اعلام می‌کند. به هشدار اینجا توجه کنید، وقتی در اورشلیم هستیم. هشدارهای عیسی با ادعاهای داوری همراه است.

مراقب کاتبان باشید. آنها محکومیت بیشتری دریافت خواهند کرد. و این تقریباً در همین زمینه است که او در مورد اینکه چگونه کاتبان افتخاری را که از... می‌آید دوست دارند، و ثروت را دوست دارند و منافعی اجتماعی را دوست دارند، گفته است.

اینکه او نشسته، در گنج است، و دارد مردم را تماشا می‌کند که این پول را در چیزی که احتمالاً یک ظرف فلزی بزرگتر است می‌اندازند. و من فکر می‌کنم این مهم است زیرا اگر این ظرف فلزی، جعبه، کوزه بود، به هر حال، به نوعی مرتب شده بود، یک سکه که وارد می‌شد، با فلزات مختلف و در اندازه‌های مختلف وارد می‌شد، به خصوص با زائرنی که سکه‌های مختلف می‌آوردند. و مقادیر زیاد صدا ایجاد می‌کرد.

نوع سکه‌ای که استفاده می‌کنید صدا می‌دهد. این در واقع یک فرصت بود، اگر می‌خواستید مردم بدانند. چقدر بخشیده‌اید، صدایی که سکه‌ها هنگام تمیز شدن ایجاد می‌کردند، به نوعی اشاره‌ای به آن می‌کرد. بنابراین، شما این ظرف را دارید، و این زائرنی و این افراد وارد می‌شوند، و آنها مبالغه‌گفتی را به خزانه می‌دهند.

بسیاری از ثروتمندان این مبالغ هنگفت را واریز می‌کنند. و سپس این بیوه زن فقیر از راه می‌رسد. حال، ما قبلاً عیسی را داشتیم که در مورد بیوه زن صحبت می‌کرد، که چگونه کاتبان، علمای دین، به بیوه زنان رسیدگی نمی‌کنند، بلکه خانه‌های بیوه زنان را می‌بلعند.

آنها از بیوه‌ها سود می‌برند. و حالا این بیوه می‌آید که دو سکه را روی هم می‌گذارد، روی هم رفته ممکن است یک پنی به دست آورد. بنابراین، به کوچکترین مقدار

او از بیوه زن به عنوان نمونه‌ای نه تنها برای تأیید کاری که او انجام داده است، بلکه به عنوان بیانیه‌ای برای قضاوت علیه کاتبان و این افراد دیگر، یعنی نهادهای مذهبی، استفاده می‌کند. بنابراین این حس وجود دارد که بیوه زن باید آخرین کسی می‌بود که به معبد پول می‌داد، زیرا معبد و رهبر مذهبی باید از بیوه زن مراقبت می‌کردند. با این حال، بیوه زن تمام دارایی خود را می‌دهد و آن جمله‌ای که او می‌دهد، حاکی از این اعتماد است.

این تصویری از ایمان، از اعتماد کامل به این است که او روزی خواهد گرفت. بنابراین، به خاطر داشته باشید که این از سوالی که کاتب پرسید، ناشی می‌شود. ما یک کاتب سوالی پرسیدیم، سپس کاتبان را نام بردیم.

و فکر می‌کنم قرار است این مرز را مشخص کنیم. کاتب پرسیده بود، بزرگترین حکم چیست؟ عیسی پاسخ داده بود، فداکاری کامل برای خدا، با نقل قول از شِما، عشق به همسایه مانند عشق به خود. و اینجا این بیوه زن فداکاری کامل را نشان می‌دهد و هر آنچه دارد را می‌بخشد.

و این پولی که داده شده بود، بدیهی است که به تشکیلات معبد داده می‌شد و دیگران از آن بهره‌مند می‌شدند. بنابراین، حتی ممکن است در اینجا، این بیوه زن را تصویری بصری از پادشاهی خدا بدانید. اما همچنین، عیسی این نکته را مطرح می‌کند که دیگران از مازاد خود کمک می‌کردند.

به عبارت دیگر، این بخشش فداکارانه نبود. این بخششی نبود که به آنها آسیب برساند. این یک بخشش بود اضافی بود.

و در چارچوب آنچه او همین الان در مورد کاتبان گفت، فکر می‌کنم منظور این است که با بخشش مبالغ هنگفت، آنها افتخار کسب می‌کردند. در حالی که او از روی فقر خود بخشش می‌کرد، او بدون هیچ تمایلی به افتخار، بدون هیچ تمایلی به تحسین، بلکه با توکل کامل به خدا و ایمان به آنچه انجام خواهد شد و نحوه محافظت از او، بخشش می‌کرد. این یک بیانیه اعتماد است.

بنابراین، این پایان فصل ۱۲، همانطور که اکنون به مرقس ۱۳ می‌رسیم، فصل ۱۲ واقعاً آخرین آموزه عمومی عیسی را به پایان می‌رساند. بنابراین، این جمله در مورد ایمان و اعتماد و بخشش کامل و تمام عیار همه چیز، برای دیگران، این بازآفرینی دو فرمان بزرگ در زمینه «مراقب کاتبانی باشید که فقط به دنبال تظاهر هستند، اما در عین حال خواهان تحسین برای خود هستند»، از بسیاری جهات به آموزه‌های عیسی علیه رهبران مذهبی و آموزه‌های او در مورد اورشلیم و در محیط عمومی پایان می‌دهد. من فکر می‌کنم با دانستن این موضوع، پس این داستان کوچک بیوه، فکر می‌کنم درست است که آن را بخوانیم، همانطور که مرقس آن را، به عنوان کلام آخر، اگر بخواهید، از آموزه‌های عمومی انتخاب کرد که قرار است چیزی در آن ببینیم چیزی بیش از یک داستان کوتاه زیبا، اما خلاصه‌ای مناسب برای آنچه زبان قضاوت و شاگردی که عیسی استفاده کرده است.

بسیار خوب، حالا ادامه می‌دهیم. بیایید به مرقس ۱۳ نگاهی بیندازیم. وقتی به مرقس ۱۳ می‌رسیم: می‌خواهم کمی در مورد، ببخشید، کمی در موردش صحبت کنم.

وقتی شروع به صحبت در مورد مرقس ۱۳ می‌کنیم، می‌خواهم کمی در مورد گفتمان آخرالزمانی صحبت کنم. خب، ورود عیسی به اورشلیم حالا به نوعی به یک نتیجه می‌رسد. او به اورشلیم رفته، رفته، رفته، رفته، و حالا او آنجا را ترک خواهد کرد، و دفعه بعد که دوباره به نوعی وارد اورشلیم شود، برای، می‌دانید دستگیری‌ها و محاکمات نهایی و مصلوب شدن خواهد بود.

و آنچه تا به اینجا شاهد بوده‌ایم، شکست اسرائیل، به ویژه رهبران آن، در اطاعت از مأموریتش بوده است. این امر نافرمانی را نهادینه کرده است. ما شاهد فقدان ثمره بوده‌ایم.

ما دیده‌ایم که عیسی درباره داوری اجتناب‌ناپذیر صحبت می‌کند، به خصوص در پایان معبد. ما نفرین معبد را داشتیم، تمثیل مستاجران را داشتیم، و حالا به فصل ۱۳ می‌رویم. و درک ما از مرقس ۱۳، بنابراین، به نظر من، باید در این زمینه باشد، در این زمینه از آنچه عیسی در تمام این مدت در اینجا انجام داده است، در قالب این اظهارات علیه رهبری مذهبی، اظهارات علیه معبد، و صدور حکم داوری توسط او.

جالب اینجاست که انجیل مرقس، باب ۱۳، طولانی‌ترین آموزه پیوسته در انجیل مرقس است. قبل از انجیل مرقس ۱۳، طولانی‌ترین آموزه پیوسته تقریباً شش جمله بود. در اینجا ۳۹ جمله است که حول یک مضمون آخرالزمانی بسیار مشابه، یعنی تخریب معبد، اورشلیم و آمدن پسر انسان، و شاید اشاره به مصلوب شدن عیسی نیز می‌چرخد.

کمی بعد بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد. البته یکی از سوالات این است که آیا این سخنرانی آخرالزمانی است؟ آیا این گفتمان به درستی یک سخنرانی آخرالزمانی نامیده می‌شود؟ و مطمئناً شباهت‌هایی با متون آخرالزمانی که در جاهای دیگر می‌بینیم، مانند اول خنوخ، آیات ۳۷ تا ۷۱، و برخی دیگر از ژانرهای آخرالزمانی معبد دوم و شبه‌کتاب مقدس وجود دارد. و اغلب به آن آخرالزمان کوچک مرقس می‌گویند.

اما با توجه به عناصر معمول، وقتی در مورد نوشته‌های آخرالزمانی صحبت می‌کنیم، معمولاً انتظار نوعی رؤیای آسمانی، اغلب یک واسطه فرشته‌ای، را داریم. معمولاً در انجیل مرقس ۱۳، همانطور که انتظار داریم، خلاصه‌ای از تاریخ بشر وجود ندارد. بنابراین ژانر آخرالزمانی معمولاً خلاصه‌ای از تاریخ بشر، نوعی تصویرسازی، فرشتگان، رؤیاهای آسمانی را در خود جای داده است.

اینها جنبه‌هایی هستند که ما متوجه می‌شویم که بسیاری از آخرالزمان‌ها به عنوان یک ژانر مشترک دارند، و ما آن را نمی‌بینیم. و بنابراین شاید بهتر باشد که این را گفتمان آخرالزمانی ندانیم، بلکه آن را گفتمان آخرالزمانی بدانیم. این گفتمان از این نظر آخرالزمانی است که روزهای آخر، روزهای پایانی و جنبش‌ها و همچنین آغاز، پیش‌بینی می‌شوند.

همچنین به معنای عصری که با ورود مسیح در روزهای آخر برقرار می‌شود، آخرالزمانی است. و من فکر می‌کنم سایه‌هایی از صلیب در مرقس ۱۳ وجود دارد. چیزی در آن وجود دارد که به نظر من به آنچه قرار است اتفاق بیفتد نیز اشاره دارد، و با گذشت زمان، بیشتر به آن خواهیم پرداخت.

و اگر قرار باشد اینجا شما را با یک ساختار آشنا کنم، می‌خواهم در مورد این بخش‌های مختلف صحبت کنم. به نظر می‌رسد آیات ۱ تا ۴ این ایده را دارند، بنابراین با قرار دادن معبد و برخی سوالات در آنجا. سپس تا ۲۳ به نظر می‌رسد یک حرکت است ۵.

تا ۲۷، ای پسر انسان ۲۸ تا ۳۱، درخت انجیر و سپس ۳۲ تا ۳۷، هوشیاری ۲۴.

حالا وقتی شروع به بررسی مرقس ۱۳ می‌کنیم، این یکی از آن قسمت‌هایی از مرقس است که تفسیرهای متنوعی دارد. طیف گسترده‌ای از برداشت‌ها از آنچه عیسی در اینجا درباره آن صحبت می‌کند، وجود دارد. و من فکر می‌کنم وقتی از مرقس ۱۳ عبور می‌کنیم، باید از نظر هر درجه‌ای از قطعیت، بسیار محتاط باشیم.

ما باید در اینجا به دلیل بخش‌های مختلف، در افکارمان فروتن باشیم؛ هیچ پاسخ روشنی برای هر کاری که عیسی در مرقس ۱۳ انجام می‌دهد، به گونه‌ای که همه گزینه‌های ممکن را برآورده کند، وجود ندارد. اما با بررسی موارد دیگر، همانطور که می‌خواهم هنگام تفکر در مورد مرقس ۱۳ در نظر داشته باشیم، این موضوع به تخریب معبد مربوط می‌شود. بنابراین، بین آنچه در اینجا اتفاق افتاده و آنچه عیسی پیش از آن در مرقس انجام داده، رابطه‌ای وجود دارد.

و اینکه دلیلی برای تعجب و تفکر وجود دارد که دقیقاً چه رابطه‌ای بین آنچه عیسی گفته است، آنچه او می‌گوید، و آنچه در معبد اتفاق افتاده است، وجود دارد. بیایید این را بررسی کنیم. به چهار آیه اول نگاه کنید.

و چون از معبد بیرون آمد، یکی از شاگردانش به او گفت: «ای استاد، نگاه کن، چه سنگ‌های شگفت‌انگیز و چه بناهای شگفت‌انگیزی.» و عیسی به او گفت: «آیا این بناهای عظیم را می‌بینی؟ در اینجا سنگی بر سنگی، دیگر نخواهد ماند که فرو نریزد.» همانطور که او بر کوه زیتون، روبروی معبد نشسته بود، پطرس یعقوب، یوحنا و اندریاس به طور خصوصی از او پرسیدند: «به ما بگو این وقایع چه زمانی رخ خواهند داد و نشانه‌ی نزدیک شدن به وقوع همه این وقایع چیست؟» حال فکر می‌کنم وقتی به آیه ۱ نگاه می‌کنیم، به یاد داشته باشیم که این یک آدم ساده‌لوح روستایی نیست که به این بناهای بزرگ نگاه می‌کند و از آن شگفت‌زده می‌شود.

آنها مدام از شهر وارد و خارج می‌شدند. آنها قبلاً هم به این سفر رفته بودند. بنابراین به احتمال زیاد، دوباره این موضوع غرور است.

و نه به معنای بد، بلکه به معنای شگفت‌آور، به شهر ما در این معبد بزرگ نگاه کنید. منظره‌ای باشکوه می‌بود. چیزی می‌شد که می‌توانستید بارها و بارها ببینید و باز هم همان نظر را داشته باشید.

در واقع، سنگی که پیدا شد و بخشی از پایه غربی معبد بود، حدود ۶۰۰ تن وزن داشت. من فکر می‌کنم این فقط بیان این است که چقدر شگفت‌انگیز خواهد بود. و این بیان معبد در مورد عظمت آن، زمینه را برای آیه ۲ آماده می‌کند. آیا این ساختمان‌های عظیم را می‌بینی؟ در اینجا سنگی بر روی سنگ دیگر باقی نخواهد ماند که فرو نریزد.

فکر می‌کنم نکات جالبی وجود دارد که باید ببینیم. اول از همه، اینکه این بیانیه در مورد تخریب معبد است، اکنون مشخص شده است. آنها در مورد معبد اظهار نظر می‌کنند و او همین الان گفته است که معبدی فرو نخواهد ریخت.

و آن زبان پرتاب کردن، زبانی بسیار فعال است. بنابراین فکر می‌کنم این موضوع، آنچه را که ما در موردش صحبت می‌کردیم، یعنی سخنان عیسی علیه معبد که آن را نفرین معبد می‌دانست، تأیید می‌کند و اکنون آنچه را که پیشنهاد شده بود، روشن می‌کند. اما نکته جالب دیگری هم وجود دارد، این سنگ در میان سنگ‌ها

مدتی پیش با یک آقای صحبت می‌کردم و می‌خواستم استدلال کنم که او استدلال می‌کند که سخنان عیسی نمی‌تواند به تخریب معبد در سال ۷۰ میلادی اشاره داشته باشد، زیرا هنوز سنگ‌هایی در دسترس هستند که می‌توانید آنها را ببینید. و از آنجایی که همه سنگ‌ها دور ریخته نشده‌اند، دیوار ندبه و از این قبیل حرف‌ها وجود دارد. و من فکر می‌کنم همه اینها نکته اصلی را از دست داده‌اند.

اگر به دوم سموئیل ۱۷:۱۳ و حجی ۲:۱۵ نگاه کنید، وقتی در مورد ساختمان معبد صحبت می‌کنند، می‌گویند سنگ روی سنگ است. و بنابراین، زبانی که عیسی در اینجا در مورد اینکه چگونه یک سنگ سنگی روی سنگ دیگر باقی نخواهد ماند، استفاده می‌کند، دقیقاً برعکس زبان ساخت‌وساز است. زبان ساخت‌وساز یعنی ساختن یک سنگ روی سنگ دیگر و حالا یکی از آنها برداشته می‌شود.

بنابراین، اینطور نیست که اگر یک سنگ هنوز به سنگ دیگری متصل باشد، نمی‌تواند وجود داشته باشد؛ به نوعی، این امر محقق نشده است زیرا این ماهیت مجازی زبان نیست. این در مورد از بین بردن چیزی است که شما می‌سازید. همچنین توجه داشته باشید که فقدان «مگر اینکه توبه کنید» در زبان وجود دارد.

وقتی زبان تخریب اورشلیم و معبد و پیامبران را می‌بینید، اغلب با این موضوع مرتبط است که مگر اینکه از راه خود بازگردند، مگر اینکه توبه کنند، مگر اینکه گوش دهند، آنگاه من آنها را خواهم شنید. معمولاً این وجود داشته است، اگر بخواهید، این فرصت برای تغییر چیزی وجود خواهد داشت. اینجا چنین چیزی وجود ندارد.

بنابراین، به عبارت دیگر، این یک هشدار نیست. این به معنای بیان این نیست که همه این اتفاقات رخ خواهد داد مگر اینکه توبه کنند و به سوی من بیایند. این بیان حکمی است که فرا رسیده است.

و حالا فقط انتظار گذر زمان است تا آن داوری آشکار شود. معبد ویران خواهد شد. ما اینجا چیزهای جالبی می‌بینیم.

عیسی، همانطور که گفته‌اش را بیان می‌کند، بر کوه زیتون فرود می‌آید. کوه زیتون در عهد عتیق مکانی خنثی نیست. این می‌توانست فقط از نظر جغرافیایی جایی باشد که او در آن بوده است، اما ما همچنین می‌دانیم که در مورد کوه زیتون، شما، اینجا جایی بود که نوعی داوری، ارتباطی با حزقیال، با کوه زیتون، ارتباطی با آخرالزمان وجود داشت، و بنابراین حتی اینجا نوعی شباهت وجود دارد.

بنابراین، او برای تدریس می‌نشیند و چهار نفر بزرگ آنجا هستند. ما سه نفر خودمان را داریم، همیشه این کار را می‌کنیم، اما اندرو، او هم در این جلسه حضور دارد، بنابراین اندرو اینجا است و با چهار نفری که به طور خصوصی از او پرسیدند، چه زمانی این اتفاقات خواهد افتاد؟ نشانه‌ی نزدیک شدن به اتمام همه این اتفاقات چیست؟ حال فکر می‌کنم آنچه در اینجا پرسیده می‌شود، این فرض را آشکار می‌کند که تخریب معبد مترادف با پایان همه چیز در ذهن آنهاست، که آنها این دو را به هم مرتبط می‌کنند. در واقع، اگر به متی ۲۴ نگاه کنیم، این موضوع حتی واضح‌تر می‌شود.

متی ۲۴:۳، که همان گفتمان در متی است، حتی صریح‌تر بیان شده است. بنابراین، فکر می‌کنم وقتی آنها این سؤالات را در مورد این چیزها می‌پرسند، که به صورت جمع است، نه فقط این چیز اگر بود، این اتفاق چه زمانی خواهد افتاد؟ این می‌توانست اشاره‌ای به آنچه او در مورد معبد گفت باشد، اما در عوض، آنها می‌پرسند، این اتفاقات چه زمانی خواهند افتاد؟ به نظر من، نشان می‌دهد که آنها احتمالاً درک می‌کنند که تخریب، آنچه او در مورد معبد گفته است، با پایان همه چیز یا ورود بزرگ، نشانه آمدن او، همراه خواهد بود، اگر بخواهید، آنها این را به عنوان یک رویداد خاص می‌بینند. و البته این منطقی خواهد بود.

چطور ممکن است تخریب معبد یک رویداد مربوط به کثافت کاری باشد؟ اما به نظر من، این اشتباه آنهاست. اشتباه آنها در این فرضشان است که تخریب معبد و پایان همه چیز یکی است، و فکر می‌کنم عیسی در پاسخ خود شروع به توضیح این اشتباه می‌کند. بیایید این موضوع را در آیه ۵ بررسی کنیم. بنابراین، در آیه ۴، آنها وقتی این اتفاقات در شرف وقوع است، نشانه‌ای می‌خواهند

آیات ۵ تا ۸، و عیسی به ایشان فرمود: «مواظب باشید کسی شما را گمراه نکند. بسیاری به نام من خواهند آمد و خواهند گفت که من او هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد.» و چون از جنگ‌ها و شایعات جنگ‌ها بشنوید، مضطرب نشوید.

این باید اتفاق بیفتد، اما پایان هنوز فرا نرسیده است. زیرا قومی با قومی و حکومتی با حکومتی دیگر برخوانند. خاست. در جاهای مختلف زلزله رخ خواهد داد.

قحطی‌هایی خواهد بود. اینها فقط آغاز دردهای زایمان هستند. بنابراین، توجه کنید که آنها نشانه‌ای می‌خواهند، و چیزی که من استدلال می‌کنم این است که آنها، به نظر من، نشانه‌ای از پایان همه چیز می‌خواهند، مثلاً اینکه پایان عصر چه زمانی در شرف وقوع است.

و عیسی ابتدا با پاسخ به آنچه نشانه نیست شروع می‌کند. پاسخ او در آیات ۵ تا ۸ همین است. او شروع به فهرست کردن چندین مورد می‌کند، اما به آنها می‌گوید که اینها نشانه‌های نزدیک بودن پایان نیستند، بلکه دردهای زایمان هستند. و همچنین توجه کنید که وقتی او در مورد این موضوع بحث می‌کند، نوعی گذر زمان بین اکنون و زمانی که پایان رخ خواهد داد، وجود دارد.

در طول زمان، ملت‌ها علیه ملت‌ها، پادشاهی‌ها علیه پادشاهی‌ها، زلزله‌ها در مکان‌های مختلف و قحطی‌ها قیام خواهند کرد. اینها فقط آغاز ماجرا هستند. او می‌گوید که بسیاری به نام من خواهند آمد و مردم را گمراه خواهند کرد.

جنگ‌ها و شایعاتی از جنگ‌ها وجود خواهد داشت. این باید اتفاق بیفتد، اما پایان هنوز فرا نرسیده است. همه اینها به معنای گذر زمان است، نه نوعی اتفاق فوری که رخ دهد.

و بنابراین، من فکر می‌کنم چیزی که او در پاسخ عیسی را دسته‌بندی می‌کند این است که ابتدا می‌گوید مراقب باشید فریب نخورید، مراقب باشید کسی شما را گمراه نکند، و سپس مجموعه‌ای از وقایع دردناک را فهرست می‌کند که مردم قرار است تجربه کنند. جنگ‌ها، شایعات جنگ‌ها، قحطی‌ها، زلزله‌ها، این ملت‌ها، علیه ملت‌ها، پادشاهی علیه پادشاهی. چیزی که فضایی ایجاد می‌کند که فریب خوردن را آسان می‌کند، جستجوی هر امیدی را آسان می‌کند، و افرادی خواهند بود که ادعا می‌کنند یا مسیح هستند، فکر می‌کنم این همان چیزی است که می‌دانید، یا شاید به نام عیسی می‌آیند، که می‌توان به هر دو صورت به آن اشاره کرد، آن جمله، بسیاری به نام من خواهند آمد و می‌گویند من او هستم.

او می‌گوید وقتی همه این چیزها را ببینید، دلتان می‌خواهد فکر کنید که این حتماً آخرش است. ببینید اوضاع چقدر بد است. او می‌گوید فریب نخورید.

چیزی که الان بهت گفتم نشونه‌ی پایان نیست. اینا ضرورین. اینا فقط درد زایمان

اینها پایان نیستند، و من فکر می‌کنم تشخیص این موضوع مهم است زیرا فکر می‌کنم وقتی در این مسیر پیش می‌رویم، خیلی راحت می‌توانیم بفهمیم که اینها باید نشانه‌های پایان عصر باشند، زیرا این همان چیزی است

که شاگردان درخواست کرده‌اند، اما در واقع چیزی که عیسی می‌گوید دقیقاً برعکس است. اینها نشانه نیستند. اینها دردهای زایمان هستند.

آنها شروع هستند، اما نه در حال حاضر درست یا آستانه. ما به کار روی ۹ تا ۱۳ ادامه می‌دهیم. فکر می‌کنم حتی به نوعی آن را تثبیت می‌کند.

او دوباره شروع می‌کند، اما مراقب خود باشید زیرا شما را به شوراها تحویل خواهند داد و در کنیسه‌ها کتک خواهید خورد و به خاطر من در برابر والیان و پادشاهان خواهید ایستاد تا در برابر آنها شهادت دهید و انجیل ابتدا باید به همه ملت‌ها اعلام شود و هنگامی که شما را به محاکمه می‌کشند و تحویل می‌دهند، از قبل نگران نباشید که چه بگویید، بلکه هر آنچه را که در آن ساعت به شما داده می‌شود، بگویید زیرا شما نیستید که صحبت می‌کنید، بلکه روح القدس است و برادر، برادر را به مرگ و پدر، فرزند خود را تسلیم خواهد کرد و فرزندان، والدین را دوباره زنده خواهند کرد و آنها را به قتل خواهند رساند و شما به خاطر نام من مورد نفرت همه خواهید بود، اما کسی که تا به آخر تحمل کند، نجات خواهد یافت. در اینجا، دوباره، به این گذر زمان توجه کنید، آزار و اذیت وجود دارد، اخراج از کنیسه‌ها وجود دارد. منظورم این است که این به گذر زمان نیاز دارد، زمانی که کلیسا شروع به ملاقات در کنیسه‌ها می‌کند و شروع به جدا شدن از آن می‌کند.

این قطعاً پیش‌بینی می‌کند که چه اتفاقی خواهد افتاد، اما حس وسیع‌تری وجود دارد. این زبان استقامت وجود دارد، که می‌دانید این ایده دانیال ۱۲ را دارد، این انگیزه قوی که این ملت‌ها علیه شما قیام می‌کنند که انجیل ابتدا باید به همه ملت‌ها اعلام شود. این نیاز به گذشت زمان دارد.

حالا فکر می‌کنم بعضی از گروه‌ها این را به عنوان راهی برای نشان دادن این که وقتی می‌توانیم سرانجام پایان همه چیز را پیش‌بینی کنیم، یعنی انجیل به همه ملت‌ها رسیده باشد، اشتباه برداشت می‌کنند، انگار که نوعی کنترل یا پیش‌بینی‌پذیری با آن مرتبط است یا اینکه رفتن به ملت‌ها به عنوان راهی برای پایان دادن به همه چیز، بیانیه مأموریت اینجا نیست. آنچه ارائه می‌شود تصویری از این رویداد است. به اعتقاد من، عیسی از این دوره زمانی، از دوره زمانی بین عزیمت او و بازگشت دوباره‌اش، ترسیم می‌کند که این دوره زمانی با دو جنبه مشخص می‌شود.

یکی رنج، قحطی، زلزله، جنگ، این رنج و آزار منحصر به فرد، نفرت از شما به خاطر نام من، تبدیل شما برادر به برادر، اینکه رنج و آزاری وجود خواهد داشت که شما را مشخص می‌کند، عیسی را بشناسید، دوره زمانی از عزیمت عیسی تا بازگشت او، آمدن دوم او و انتشار انجیل به همه ملت‌ها. اینکه این دوره زمانی با آزار و اذیت و مأموریت، انتشار انجیل و رنج مشخص می‌شود. و فکر می‌کنم یک طنز زیبا در اینجا وجود دارد که دقیقاً به همان روشی که خدا آن را طراحی کرده است، به این دلیل است که ما، کلیسا، انجیل را به ملت‌ها می‌رسانیم. ملت‌ها از کلیسا متنفرند زیرا عیسی را رد می‌کنند. آنها انجیل را رد می‌کنند.

با این حال، کلیسا تقریباً سعی نمی‌کند که [این کار را] انجام دهد. من نمی‌خواهم در این مورد تغییر جهت بدهم، اما مأموریت‌ها تقریباً به این خلاصه می‌شوند که افراد تحت تعقیب به سمت آزاردهندگان می‌روند تا بتوانند بخشی از آزاردیدگان شوند. می‌دانید، این تغییر جهت در همه چیز وجود دارد. می‌دانید، این جمله در مورد اینکه انجیل باید به همه ملت‌ها برسد، به نظر من یک جمله امیدوارکننده نیز هست، به طوری که مهم نیست اوضاع چقدر ظالمانه به نظر برسد، چه به دلیل رنج طبیعی باشد و چه به دلیل ظلم دولت، عیسی تأیید می‌کند که انجیل به همه ملت‌ها خواهد رسید.

رنج این دوره زمانی، آیات پنج تا هشت، و جفاها مانع پیشرفت انجیل نمی‌شوند. می‌دانید، به نظر من، نکات جالبی در مورد خروج وجود دارد؛ نگران آنچه خواهید گفت نباشید. سخت است که به موسی فکر نکنیم و موسی نگران آنچه خواهد گفت باشد و خدا تأیید کند که سخنانش به او داده خواهد شد.

بنابراین این نوعی وعده مشابه است. اما این الگو وجود دارد، این دردهای زایمان. من فکر می‌کنم اینها دردهای زایمان، انتشار انجیل و آزار و اذیت ناشی از آن هستند.

و این استقامت تا انتها، به نظر من، به معنای نجات یافتن کسانی که تا پایان این دوره زمانی استقامت می‌کنند، نیست، بلکه به معنای نجات یافتن کسانی است که تا پایان این زمان استقامت می‌کنند و در ایمان خود متزلزل نمی‌شوند. آن استقامت و آزار و اذیت، نشانه‌ای از ایمان واقعی است. اکنون دوباره به آن نگاه می‌کنیم، از باب ۱۴ تا ۲۳.

بنابراین، ما در مورد این دردهای زایمان بزرگ صحبت می‌کردیم، این دوره زمانی که نشانه‌های پایان نیستند، همانطور که من آن را می‌خوانم. اما وقتی می‌بینید که آن مکروه ویرانی در جایی که نباید باشد ایستاده است، بگذارید خواننده بفهمد. بگذارید کسانی که در یهودیه هستند به کوه‌ها فرار کنند.

کسی که در خانه است، بایستد و برای برداشتن چیزی به خانه نرود و وارد آن نشود. کسی که در مزرعه است، برای برداشتن لباس خود برنگردد. آخری زنان باردار و شیرده در آن روزها هستند، دعا کنید که این اتفاق در زمستان نیفتد.

زیرا در آن روزها چنان مصیبتی رخ خواهد داد که از ابتدای خلقتی که خدا آفرید تاکنون نبوده و هرگز نخواهد بود. و اگر خداوند آن روزها را کوتاه نمی‌کرد، هیچ بشری نجات نمی‌یافت. اما به خاطر برگزیدگانی که برگزیده بود، آن روزها را کوتاه کرد.

و آنگاه اگر کسی به شما بگوید، بنگرید، مسیح اینجاست، یا بنگرید، او آنجاست، باور نکنید. زیرا مسیحان دروغین و پیامبران دروغین ظهور خواهند کرد و آیات و معجزات برای گمراه کردن انجام خواهند داد. در صورت امکان، برگزیدگان مراقب خود باشید.

من همه این چیزها را از قبل به شما گفته‌ام. می‌دانید، با توجه به روشی که من در مورد آیات ۱۴ تا ۲۳ کار کرده‌ام، این موضوع خیلی خاص به نظر می‌رسد. می‌دانید، وقتی به آیات ۵ تا ۱۳ نگاه کردیم، بیشتر آنها کلی بودند.

جنگ‌ها، شایعات جنگ‌ها، زلزله‌ها، رنج‌ها، ملتی علیه ملتی دیگر، پادشاهی‌ای علیه پادشاهی دیگر. شما به حضور حاکمان، شوراها، فرمانداران خواهید رفت. انجیل به همه ملت‌ها خواهد رسید.

اما اینجا خیلی جزئیات وجود دارد، اینطور نیست؟ می‌بینید، اما وقتی به مکروه ویرانی نگاه می‌کنید، به نظر می‌رسد که یک رویداد خاص است. حال، ایده مکروه ویرانی از دانیال ۹، ۱۱، ۱۲، اول مکابیان، فصل ۱ سرچشمه می‌گیرد. و مکروه ویرانی این مفهوم بود که در جایی توسعه یافت که شامل معبد اورشلیم، یک قربانگاه و مراسم قربانی می‌شد، جایی که چیزی یک شیء بت‌پرستانه است، یا قربانی در معبد قرار داده می‌شود، و سعی می‌شود فعالیت معبد را به یک فعالیت بت‌پرستانه تبدیل کند. بنابراین، معمولاً حول محور معبد متمرکز است.

بنابراین، حتی این ایده‌ی «مکروه ویرانی» هم تصویری از وجود معبد در آنجا دارد. عیسی مسیح به تازگی گفته بود که معبد ویران خواهد شد، اما به نظر می‌رسد که این در مورد وجود معبد در آنجا صحبت می‌کند. و یک شخص به جای یک شیء آنجا ایستاده است، چیزی که عیسی در مرقس می‌گوید این است که وقتی مکروه ویرانی «را می‌بینید، می‌فهمید که او کجا نباید باشد»

حالا، این می‌تواند یک شخص واقعی باشد که عملی را انجام می‌دهد، می‌تواند یک معیار باشد که نمایانگر آن شخص است. دوباره توجه کنید که زیان چقدر خاص است در مورد اینکه حرکت باید سریع باشد، اینکه باید فوراً آنجا را ترک کنید، به آنجا بروید، می‌دانید، کسانی که در یهودیه هستند باید به کوه‌ها فرار کنند خیلی خاص است.

امیدوارم این اتفاق در زمستان نیفتد، و امیدوارم در آن روزها به نوزاد شیر ندهید. و فکر می‌کنم چیزی که اینجا داریم یک درد زایمان بسیار خاص است، اینکه عیسی به طور کلی در مورد دردهای زایمان و رنج‌ها صحبت می‌کرد، اما اینجا او یک مورد بسیار خاص را مطرح کرده است. فکر می‌کنم این مربوط به غارت اورشلیم است.

این تخریب معبد است. این زمانی خواهد بود که روم وارد شود و آن را با خاک یکسان کند، و آنها استانداردهایی را به ارمغان می‌آورند؛ آنها کارهایی انجام می‌دهند که نفرت‌انگیز و ویران‌کننده است. و من فکر می‌کنم او اینجا است، او با شاگردان صحبت می‌کند و به آنها اطلاع می‌دهد که چیزی قرار است ظرف چند دهه اتفاق بیفتد.

و با بیان خیلی مشخص اینکه وقتی می‌بینید این اتفاق شروع می‌شود، مردم باید فوراً فرار کنند. می‌دانید، به نظر من، بیان این ایده که این آخرین رویداد است، با توجه به این جمله که در آن روزها، چنین مصیبتی وجود خواهد داشت، از ابتدای خلقتی که خدا آفرید تا به حال نبوده و هرگز هم نخواهد بود، کمی دشوار، به نظر می‌رسد. منظورم این است که اگر این چیزی باشد که درست در لحظه پایان همه چیز اتفاق می‌افتد، آنها هرگز جزئی از آن نخواهند بود، بدیهی به نظر می‌رسد.

و در واقع، عباراتی مانند «هرگز نبوده و هرگز نخواهد بود» عبارات اغراق‌آمیز غیرمعمولی نیستند. می‌دانید اگر نگاه کنید، عبارات مشابهی را در خروج ۹ و ۱۱ و تثنیه ۴، دانیال ۱۲ و یوئیل ۲ می‌بینید. اگرچه بسیار کلی است، اما من سعی ندارم آن را کوچک جلوه دهم. در واقع، آنچه ما از نظر تاریخی در مورد غارت اورشلیم و آتش زدن معبد می‌دانیم این است که از نظر درصد مرگ و میر و ویرانی، قابل توجه و تقریباً بی‌سابقه بوده است.

و بنابراین، من فکر می‌کنم که این موضوع تا حدودی واقعیت دارد. و حتی کوتاه شدن روزها، به نظر من، به آن لحظه ورود روم اشاره دارد که خدا زمان پایان آن را تعیین کرد و او آن را از روی دلسوزی برای برگزیدگان متوقف کرد، که فکر می‌کنم در اینجا اشاره‌ای به پیروان یهودی عیسی است که به احتمال زیاد در این داوری که در اورشلیم اتفاق می‌افتد، گرفتار شده‌اند. بنابراین، این ایده‌ای است که عیسی همین الان گفت: معبد ویران خواهد شد.

و البته ما از تصویر عهد عتیق می‌دانیم که خدا اغلب از ملت‌های دیگر برای داوری بر اورشلیم و اسرائیل استفاده می‌کند. و این همان چیزی است که اینجا اتفاق می‌افتد. او قبلاً اعلام کرده است که آن داوری در راه است.

و در اینجا او دستورالعمل‌های بسیار مشخصی در مورد زمان وقوع و شدت آن می‌دهد. و با انجام این کار مسیحیان اورشلیم به شدت ممکن است در این امر گرفتار شوند. و این دستورالعملی است که او به شاگردان داده است تا سپس به کلیسای اورشلیم و یهودیان بروند و وقتی این را دیدید، فرار کنید.

و بنابراین، من فکر می‌کنم چیزی که باید در این متن به آن نگاه کنیم این است که آیات ۹ تا ۱۳ را نباید به عنوان نشانه‌ای از پایان بد تعبیر کنیم، بلکه باید آن را به عنوان یک درد زایمان خاص در نظر بگیریم که این مکروه ویرانی اکنون به عنوان پایان قریب‌الوقوع توصیف می‌شود، بلکه داوری، مشیت، فیض، استقامت را

نشان می‌دهد، و همچنین در طول چند دهه شواهدی ارائه خواهیم داد که نشان می‌دهد عیسی چقدر پیامبر بزرگی است که واقعاً این را پیش‌بینی کرده است. من می‌خواهم به بررسی آیات ۲۴ تا ۲۷ ادامه دهم. اما در آن روزها، پس از آن مصیبت، خورشید تاریک خواهد شد و ماه نور خود را نخواهد داد و ستارگان از آسمان فرو خواهند ریخت و قدرت‌های آسمان متزلزل خواهند شد.

و آنگاه پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم بر ابرها می‌آید. و آنگاه فرشتگان را خواهد فرستاد و برگزیدگان خود را از چهار گوشه جهان و از کرانه‌های زمین تا کرانه‌های آسمان گرد هم خواهد آورد. و آن روزها اغلب برای توصیف تجلی الهی یا مداخله الهی، به زبان داوری، به کار می‌روند.

ما می‌بینیم که ارمیا ۳، ۵، ۳۱، یوئیل ۲، زکریا ۸. بنابراین، فکر می‌کنم حالا بالاخره عیسی به این سوال پاسخ می‌دهد که چه زمانی یا چه نشانه‌هایی وجود دارد که همه این اتفاقات رخ خواهند داد. بنابراین، به اعتقاد من، سوال شاگردان به اشتباه تخریب معبد و نشانه‌های پایان را با هم ترکیب کرده است. عیسی ابتدا با صحبت در مورد آنچه نشانه نیست شروع می‌کند، از جمله اینکه نشانه نبودن، مصیبت منحصر به فردی است که همان تخریب معبد در اورشلیم است.

بنابراین، او گفت، بسیار خوب، من می‌خواهم به سوال شما در مورد زمان وقوع غارت اورشلیم با گفتن اینکه چه چیزی را می‌توانید در زمان وقوع مکروه ویرانی جستجو کنید، پاسخ دهم. اما در زیر چیزی که نشانه نیست، آن را در آن دوره زمانی پیدا کنید. من معتقدم که او اکنون پاسخ این سوال را که نشانه‌های پایان امور چیست، ارائه می‌دهد.

و من فکر می‌کنم طنز ماجرا، نشان پایان امور است، نشان آمدن عیسی در پادشاهی‌اش، آمدن اوست منظورم این است که این‌طور بیان می‌شود که چطور می‌شود فهمید پایان کی فرا رسیده است؟ چون اینجاست، نباید فریب چیزی را خورد که ممکن است به آن نسبت داده شود. منظورم این است که این زبان این‌طور عمل می‌کند، اگر به دنبال نشانه‌هایی باشید که پایان نزدیک است، خودتان را در معرض نابودی قرار می‌دهید، منظورم فریب است.

بلکه منظور عیسی این است که وقتی پایان فرا برسد، آشکار خواهد شد که پایان همین جاست. او از زبان کیهانی استفاده می‌کند، زبانی که در اشعیا ۱۳ و ۳۴، حزقیال ۳۲ و یوئیل ۲ و عاموس ۸ می‌بینیم، همان زبانی که در اشعیا ۱۳ برای توصیف نابودی بابل، اورشلیم و ارمیا ۴، ارتش فرعون و حزقیال و سامره و عاموس استفاده شده است. و بنابراین، شما این تصویر را دارید که، و سپس آنها خواهند دید وقتی که همه خورشیدها، وقتی همه چیز تاریک می‌شود و ستارگان در حال سقوط هستند، آنگاه خورشید انسان را خواهند دید که با قدرت عظیم در ابرها می‌آید.

و بنابراین آنچه او ارائه می‌دهد روز خداوند، پایان امور است، تار و پود خلقت دیگر نمی‌تواند آن را منسجم نگه دارد، گردهمایی بزرگ مقدسین. توجه کنید که حتی این گردهمایی از سراسر جهان نیز دارای یک گذرگاه است؛ این گردهمایی نور دارای یک گذرگاه زمانی است، اما ایده این است که هیچ مؤمنی از قلم نیفتاده است. و این گردهمایی بزرگ از چهار گوشه و چهار باد، همگی به نوعی با هم جمع شده‌اند.

فکر می‌کنم این نوع تصویر صلیب جالب، اگر تصویر روز بزرگ خداوند باشد، تصویر بازگشت خورشید انسان و وقوع داوری و اینکه چگونه خود خلقت شروع به تزلزل می‌کند، کمی از این گسست را در صلیب با آنچه در مصلوب شدن عیسی اتفاق می‌افتد، می‌بینیم. کمی بعد به آن خواهیم پرداخت، اما می‌خواستم مطمئن شوم که نشانه‌ای از همپوشانی صلیب وجود دارد. و سپس عیسی از درخت انجیر به پایان می‌رسد و درس آن را می‌آموزد: به محض اینکه شاخه آن نازک می‌شود و برگ می‌دهد، می‌دانید که تابستان نزدیک است.

، به همین ترتیب، وقتی همه اینها را می‌بینید، بدانید که او نزدیک و در آستانه است. به راستی به شما می‌گویم این نسل تا همه اینها رخ ندهد، نخواهد گذشت. آسمان و زمین از بین خواهند رفت، اما سخنان من هرگز از بین نخواهند رفت.

اما از آن روز یا آن ساعت هیچ‌کس خبر ندارد، حتی فرشتگان آسمان و پسر، جز پدر. هوشیار و بیدار باشید، زیرا نمی‌دانید آن زمان کی فرا می‌رسد. مانند مردی است که عازم سفر می‌شود و خانه‌اش را ترک می‌کند و خدمتکارانش را به هر کدام به کاری می‌گمارد و به دربان دستور می‌دهد که بیدار بماند.

، پس بیدار باشید، زیرا نمی‌دانید صاحبخانه چه وقت می‌آید، در شام یا نیمه‌شب یا بانگ خروس یا صبح مبادا ناگهان بیاید و شما را در خواب یابد. و آنچه به شما می‌گویم، به همه می‌گویم، بیدار باشید. این آخرین نکته‌ای که در اینجا بررسی می‌کنیم، تعلیم عیسی است.

یکی اینکه، می‌دانید، وقتی این چیزهایی را که او توصیف کرد می‌بینید، می‌دانید که پایان نزدیک است، اما این با این همراه است که فکر نکنید زمان را می‌دانید. منظورم این است که فریب همیشه این است که فکر کنید زمان ورود پسر انسان را می‌دانید. او می‌گوید فکر نکنید، فکر نکنید که زمان را می‌دانید.

بنابراین، هر چیزی که می‌بینید نمی‌تواند زمان را پیش‌بینی کند. زیرا دستورالعمل، می‌دانید، فرمان فکر نمی‌کند. که شما می‌دانید. و حتی آن جمله‌ی عالی را دارید، حتی پسر هم نمی‌داند، بلکه فقط پدر می‌داند.

و بحث‌های زیادی در این مورد وجود دارد. آیا این چیزی است که عیسی موقتاً نمی‌دانست، اما اکنون می‌داند؟ آیا این چیزی است که منحصرأ در دانش پدر وجود دارد، اما به نوعی در دانش خدای پسر نیست؟ آیا این نشان دهنده این واقعیت است که عیسی، خدای پسر، هنگام تجسم خود تسلیم شد؟ بحث‌های زیادی وجود دارد، اما فکر می‌کنم برای اهداف ما، جایی که می‌خواهیم به آن نگاه کنیم، توجه به این است که این یک استدلال احمقانه است. در این صورت، اگر خود خدای پسر زمان ارسال خود را نداند؛ چقدر احمقانه است که هر یک از شما، هر یک از ما، هر یک از شاگردان این سوال را بپرسد که پایان چه زمانی فرا می‌رسد و نشانه‌های آن چه خواهد بود.

در عوض، ما باید مراقب باشیم، بیدار باشیم و آماده باشیم، تا یقین داشته باشیم که او باز خواهد گشت. این چیزی است که عیسی به شاگردان می‌گوید، که او باز خواهد گشت، که پایانی و گردهمایی بزرگی وجود خواهد داشت. اما اینکه چه زمانی این اتفاق خواهد افتاد، زیر سوال بردن آن، نادرست است.

به نظر من مرقس ۱۳ به این شکل پیش می‌رود، که عیسی بین پاسخ به این سوال در مورد معبد، با این سوال در مورد زمان بین آمدن‌هایش، در پاسخ به اینکه چه زمانی او [به دنیا می‌آید، در نوسان است، نشانه‌های بازگشت او چیست، و نشانه‌های بازگشت او زمانی است که خود خلقت نابود می‌شود و برگزیدگان جمع می‌شوند. می‌دانید، در اینجا، در مرقس ۱۳، و البته در گفتارهای والای عهد، چیزهای زیادی برای فکر کردن وجود دارد، اما شاید بهتر باشد که با آنچه عیسی به شاگردانش می‌گوید کنار بگذاریم، این است که انجیل‌ها باید به ملت‌ها بروند. رنج قرار نیست ما را غافلگیر کند، اما امید این است که او بازگردد و همه ما را جمع کند.

دفعه‌ی بعد به انجیل مرقس، باب ۱۴، خواهیم پرداخت.

، این دکتر مارک جنینگز است که در حال تدریس درباره‌ی انجیل مرقس می‌باشد. این جلسه‌ی بیستم است، مرقس ۱۲:۳۸-۱۳:۳۶، بیوه‌ی فقیر، گفتمان آخرالزمانی.